

The Ideal Model of Government–Civil Society Interaction in the Protection of Wildlife: A Review of Domestic and International Documents

1. Mehrzad Masihi*: Lecturer, Law Department, Faculty of Law and Social Sciences, Payame Noor University, Tehran, Iran.
Email: masihi@pnu.ac.ir (Corresponding Author)

ABSTRACT

The destruction of the environment and the extinction of animal species are among the major threats that, due to human intervention and economic and commercial activities, have become serious dangers to contemporary humanity. In Iranian society, this problem has been intensified by cultural weaknesses, outdated and prescriptive laws, and poor enforcement of existing regulations, leading to the destruction of numerous ecosystems and the extinction or reduction of rare animal species in various regions of the country. In the social and political domains, the lack of support for non-governmental organizations and their structural weakness have resulted in the spread of wildlife trade and the pursuit of profit from such activities. Therefore, the present study seeks to propose an ideal model for the interaction between the government and civil society in the protection of wildlife. The main question is: What mechanisms of interaction between the government and civil society exist in the context of wildlife protection? The findings indicate that, regarding the interaction between the government and civil society in wildlife conservation, several mechanisms can be identified: amending certain legal provisions concerning animal hunting—particularly Article 6 of the Hunting Law; fostering cooperation between domestic and international civil organizations; utilizing the potential of cyberspace and social networks; involving indigenous and local communities in the protection of wildlife habitats; and promoting a public discourse through scientific and educational institutions. In this framework, the government, acting as a facilitator and law reformer through the inclusion of civil society and public organizations, and by creating the necessary conditions to benefit from international and regional experiences, can play a significant role in improving and reforming legal frameworks and regulations. The present paper employs a descriptive–analytical method and relies on library-based research tools.

Keywords: *Wildlife, Government, Civil Society, International Documents, Government–Civil Society Interaction.*

How to cite: Masihi, M. (2023). The Ideal Model of Government–Civil Society Interaction in the Protection of Wildlife: A Review of Domestic and International Documents. *Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics*, 5(3), 252-265.

© 2023 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 23 July 2023

Revise Date: 25 November 2023

Accept Date: 02 December 2023

Published online: 21 December 2023



الگوی مطلوب تعامل دولت و جامعه مدنی در حراست از حیات وحش با نگاهی به اسناد داخلی و بین‌المللی

مهرزاد مسیحی*: مربی گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. پست الکترونیک: masihi@pnu.ac.ir (نویسنده مسئول)

چکیده

تخریب محیط زیست و انقراض گونه‌های جانوری از خطرات مهمی است که به واسطه مداخله آشکار و فعالیت‌های اقتصادی و تجاری بشر به عنوان یک تهدید برای بشر معاصر تبدیل شده است. این مشکل در جامعه ایران به دلیل ضعف‌های فرهنگی، قوانین دستوری و قدیمی و ضعف در اجرای قوانین، باعث تخریب بسیاری از زیست‌بوم‌ها و انقراض گونه‌های نایاب یا کاسته شدن از جمعیت گونه‌های جانوری در نقاط مختلف کشور شده است. در عرصه اجتماعی و سیاسی نیز عدم حمایت از نهادهای مردمی و سازمان نداشتن آنان، باعث فراگیر شدن تجارت حیوانات و کسب سود از آنان شده است. به همین دلیل پژوهش حاضر درصدد است تا الگوی مطلوب تعامل دولت و جامعه مدنی را در حراست از حیات وحش ارائه نماید. پرسش این است که سازوکارهای تعامل دولت و جامعه مدنی در زمینه حراست از حیات وحش شامل چه مواردی است؟ نتایج نشان داده است که در زمینه تعامل دولت و جامعه مدنی برای حراست از حیات وحش، اصلاح برخی قوانین در حوزه شکار حیوانات از جمله ماده ۶ قانون شکار، ایجاد همکاری میان نهادهای مدنی داخلی و بین‌المللی، استفاده از ظرفیت فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی و مشارکت دادن مردم بومی و محلی در حوزه زیست بوم حیوانات وحشی و همچنین ایجاد یک گفتمان عمومی به مدد نهادهای علمی و آموزشی قابل بیان است. دولت در قالب تسهیل‌گر و اصلاح قوانین از طریق مشارکت دادن جامعه مدنی و نهادهای مردمی و زمینه‌سازی برای استفاده از تجارب بین‌المللی و منطقه‌ای، نقش مهمی در بهبود و اصلاح قوانین و مقررات خواهد داشت. در مقاله حاضر از روش توصیفی و تحلیلی و ابزار کتابخانه‌ای استفاده شده است.

واژگان کلیدی: حیات وحش، دولت، جامعه مدنی، اسناد بین‌المللی، تعامل دولت و جامعه مدنی.

نحوه استناددهی: مسیحی، مهرزاد. (۱۴۰۲). الگوی مطلوب تعامل دولت و جامعه مدنی در حراست از حیات وحش با نگاهی به اسناد داخلی و بین‌المللی. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۵(۳)، ۲۶۵-۲۵۲.

© ۱۴۰۲ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۱ مرداد ۱۴۰۲

تاریخ بازنگری: ۴ آذر ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۱ آذر ۱۴۰۲

تاریخ چاپ اولیه: ۳۰ آذر ۱۴۰۲

محیط زیست به طور عام و حقوق حیوانات و حیات وحش به طور امروزه بیش از هر زمان دیگری در معرض خطر و نابودی هستند. هم تهدیدات و خطرات ناشی از مداخله مستقیم انسان‌ها در عرصه حیات وحش که شامل شکار، کشتن حیوانات و استفاده تجاری و اقتصادی از آنان است و هم مداخله غیرمستقیم که شامل آلودگی دریا، هوا و تخریب زیست بوم حیوانات وحشی است، وضعیت بحرانی را پدید آورده است. از این رو کوشش عمده نهادها و قوانین بین‌المللی برای مقابله با این بحران و ایجاد سازوکارهایی بازدارنده در عرصه جهانی و داخلی کشورهای مختلف شکل گرفته است. در این میان نقش دولت‌ها به صورت عضویت در معاهدات و کنوانسیون‌های بین‌المللی و منطقه‌ای، یا پیروی از سازوکارهای حقوقی و کیفری و مجازات افراد و گروه‌هایی که حیات وحش را به خطر می‌اندازند، فعالیت‌هایی را عملیاتی کردند. ورود نهادهای بین‌المللی نظیر سازمان ملل به موضوع آلودگی هوا و گرم شدن کره زمین، مقابله با تغییرات اقلیمی نامتعارف به شکل مستقیم و غیرمستقیم به حیات وحش مرتبط است و نسل سوم حقوق بشر با تأکید بر حق داشتن محیط زیست سالم در قالب حقوق همبستگی نیز در همین زمینه پدید آمده است. در ایران نیز وضعیت حیات وحش در معرض خطرات و تهدیدات گسترده‌ای است. نبود قوانین تخصصی، عدم آگاهی و اطلاع‌رسانی برای شناسایی گونه‌های حیوانات و پرندگان در معرض خطر و نابودی و همچنین هزینه‌های اندک مجرمان حوزه‌های محیط زیستی باعث شده تا حیات وحش در معرض خطرات قابل توجهی قرار گیرد. از جمله این موارد، تلف شدن گونه‌های نایبی از حیوانات و پرندگان است که در سایه بی‌تدبیری و سهل‌انگاری گسترش یافته و قوانین موجود نیز توانسته در قالب یک عامل بازدارنده عمل نمایند. مشکل عمده دیگر، ضعف در جامعه مدنی و نهادهای مردم نهاد است که باعث شده تا قوانین موجود نیز اجرایی نشوند و یا زمینه برای استفاده تجاری از حیات وحش در فضای حقیقی و مجازی، قاچاق پرندگان به خارج از کشور و یا مصرف در داخل به یک شغل تبدیل شود. ضمن اینکه نبود همکاری میان دولت و نهادهای مردم نهاد و دشواری در شناسایی متخلفان به دلیل صعب‌العبور بودن مناطق زیست بوم حیوانات و پرندگان از جمله عواملی است که حیات وحش را در معرض خطرات متعددی قرار داده است. با در نظر داشتن مشکلات یاد شده، پژوهش حاضر در تلاش است تا سازوکاری برای همکاری دولت و جامعه مدنی ارائه کند تا بتوان نسبت به حراست از حیات وحش، تدابیر مؤثرتری ایجاد نمود. این رویکرد هم با نگاهی به اسناد و قوانین داخلی و هم اسناد و قوانین بین‌المللی انجام می‌شود تا بتوان زمینه را برای حضور مؤثر دولت و جامعه مدنی به شکل توأمان ایجاد نماید.

مشکلات و مسائل زیست محیطی متعدد و گسترده است و با توجه به جنبه‌های اقتصادی و تجاری پرسودی که از فروش حیوانات و پرندگان حاصل می‌شود، حیات وحش را با خطرات و تهدیدات قابل توجهی مواجه کرده است. به علاوه اینکه فعالیت‌های غیرمستقیم افراد از جمله در زمینه آلودگی آب دریا، تولید فاضلاب و زباله و تسخیر مکان‌های حیات وحش و تبدیل آنان به مکان‌های زندگی و کارخانجات، باعث شده تا حیات وحش در معرض تهدیدات جدی قرار گیرد. این مشکلات در جامعه ایران به دلیل ضعف در قوانین، ضعف در نظارت و بی‌توجهی به مشارکت مردمی به یک مشکل عمده تبدیل شده است. ضمن اینکه نبود قوانین تخصصی مدون و به روز شده در زمینه حراست از حیات وحش و تعریف شدن آن ذیل محیط زیست، رسیدگی به تخلفات و جرایم در این حوزه را با دشواری روبرو کرده است. این مسأله برای حیوانات و پرندگانی که در معرض خطر انقراض و نابودی هستند، بیش از پیش محسوس است. زیرا همه روزه موارد متعددی از فروش نسل‌های در خطر انقراض، تجارت پرندگان و حیوانات، کشتار و فروش محصولات جانبی آنان دیده می‌شود. امروزه در کشورهای مختلف و هم در سطح بین‌المللی، نقش نهادهای مردم نهاد و غیردولتی برای مقابله با آسیب‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی گسترش

قابل توجهی یافته و جامعه مدنی جهانی نیز به مسائل زیست محیطی از جمله گرم شدن کره زمین، تغییرات اقلیمی و مشکلات آبی توجه خاصی نشان داده است. به طور خاص نیز بحث انقراض نسل‌های حیوانات نیز مورد توجه فعالان حقوق حیوانات قرار گرفته و حتی در مواردی، دولت‌های مختلف را به صید غیرقانونی نهنگ و تغییر قوانین داخلی وادار نموده است. این مداخله و اثرگذاری به واسطه درک جهانی از این خطرات و شبکه‌های اجتماعی، گسترش قابل توجهی یافته و افراد و نهادهای مردمی بدون ملاحظات داخلی، نسبت به انتشار تهدیدات در نقاط مختلف دنیا اقدام می‌کنند. با توجه به اینکه جامعه ایران نیز از مشکلات متعددی در حوزه حیات وحش رنج می‌برد، پرداختن به مشکلات و معضلات حوزه حیات وحش هم در عرصه قوانین و مقررات و اجرایی شدن آنان و هم نحوه اصلاح و تغییر برخی قوانین، امری مهم و حیاتی است. فقدان فرهنگ مناسب با طبیعت و حیوانات و عدم رسیدگی به تخلفات این حوزه باعث شده تا ابزارهای قهری و دولتی برای رسیدگی به مشکلات حوزه حیات وحش ناکافی باشد. اما به طور مشخص در حوزه فعالیت دولت و جامعه مدنی به عنوان سازوکارهای اجرایی و نظارتی در جامعه، کاستی‌های متعددی قابل بیان است. زیرا دستوری بودن قوانین و غفلت از نقش جامعه مدنی و مشارکت مردمی، اجرا شدن همین قوانین اندک را نیز با دشواری و کندی مواجه کرده است. بر مبنای همین مشکلات یاد شده، پژوهش حاضر در تلاش است تا در حوزه‌های تدوین و اجرای قوانین، نظارت بر آنان و اتخاذ سازوکارهایی برای تعامل جامعه مدنی و دولت برای استفاده از ظرفیت همکاری‌های بین‌المللی، الگوی مطلوبی ارائه نماید. الگویی که مبتنی بر قانون اساسی و قوانین موجود با نگاهی انتقادی باشد و زمینه را برای اتخاذ سازوکارهای عملی جهت مقابله با خطرات حوزه حیات وحش ارائه نماید.

۱. اهمیت حیات وحش در اسناد بین‌المللی

برنامه محیط زیست ملل متحد، صندوق جهانی محیط زیست وابسته به بانک جهانی، صندوق جهانی برای طبیعت، کمیسیون توسعه پایدار ملل متحد، آژانس اروپایی برای محیط زیست، کمیسیون جهانی محیط زیست، اتحادیه بین‌المللی حفاظت از محیط زیست، صلح سبز، دوستان زمین، صندوق جهانی حیات وحش (Ziaei Bigdeli, 2021)، از جمله نهادهای بین‌المللی شناخته شده برای مقابله با تخریب زیست بوم و حمایت از حیات وحش هستند. علاوه بر این، کنوانسیون‌های بین‌المللی دیگری نیز در این زمینه شکل گرفته که همه روزه بنابر موارد انقراض حیوانات و پرندگان در حال گسترش است. از جمله کنوانسیون مربوط به گونه‌های در معرض خطر، کنوانسیون گونه‌های مهاجر ۱۹۷۹، کنوانسیون رامسیر ۱۹۷۱ از این موارد هستند (Arya Parsa, 2014). در کنار این موارد، تغییرات اقلیمی و گسترش تجارت حیوانات و آلودگی دریاها و هوا همه روزه بر تعداد این نهادهای بین‌المللی، منطقه‌ای و غیردولتی افزوده است. نسل سوم حقوق بشر، با استناد به اسناد جهانی و ایجاد سازوکاری نظارتی و مردمی، نقش مهمی در حمایت از حقوق حیوانات و حراست از حیات وحش داشته است. نهادهای یاد شده غالباً منشأ غیردولتی دارند و کنوانسیون دانمارک از جمله مهم‌ترین کنوانسیون‌های دیگری است که در این زمینه فعالیت دارند و بر مسائل زیست محیطی از جمله حقوق حیوانات تمرکز نشان می‌دهند. سازمان‌های حقوق بشری مخالف صید نهنگ، مخالفان گرم شدن کره زمین و مخالفان آلودگی آب دریاها... از دیگر نهادهای شناخته شده بین‌المللی هستند.

۲. نگرش قوانین داخلی به حراست از حیات وحش

تاریخ معاصر ایران بحث حراست و حفاظت از حیات وحش را در قالب قوانین و موادی از قوانین اساسی مورد توجه قرار داده است. سیاست‌های دولتی در زمینه حراست از حیات وحش، در دوره قبل از انقلاب اسلامی در قالب قانون شکار نمود یافته که البته به مرور زمان قوانین دیگری ایجاد شد یا اصلاحاتی در آن انجام گرفت که از حیث گرایش دولتی یا توجه به جامعه مدنی شامل قوانین زیر است:

جدول ۱. قوانین مرتبط با حراست از حیات وحش و راهکارهای اجرایی، آموزشی و انضباطی

عنوان قانون	تعداد مواد	سازمان تشکیل‌دهنده بر اساس قانون و یا سازمان متولی	تعداد مواد راهکارهای اقتصادی	مرتبط با اجتماعی-راهکارهای ترویجی	تعداد مواد مرتبط با آموزشی-راهکارهای انتظامی	تعداد مواد مرتبط با انضباطی-انضباطی
طرح قانونی مربوط به شکار ۱۳۲۵	۷	تأسیس قانون شکار	-	-	۱	
آیین‌نامه قانون شکار ۱۳۳۵	۳۹	قانون شکار ایران	۱	۱	۶	
قانون شکار و صید ۱۳۴۶	۳۱	تأسیس سازمان شکاربانی و نظارت بر صید	۱	۱	۱۰	
قانون مجازات صید غیرمجاز از دریای خزر ۱۳۴۶	۱	وزارت منابع طبیعی	-	-	۱	
قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست ۱۳۵۳	۲۱	تأسیس سازمان حفاظت محیط زیست	-	۱	۳	

موارد فوق نشان دهنده آن است که در قوانین دوره حکومت پیشین به دلیل ضعف جامعه مدنی، نقش مردم و نهادهای اجتماعی و محیط زیستی در حراست از محیط زیست و حیات وحش چندان مؤثر نبوده است. بنابراین سیاست‌های دولتی در چنین شرایطی، بدون در نظر گرفتن ملاحظات فرهنگی، اقتصادی، معیشتی و اجتماعی و در طی فرایندی دستوری، تدوین و اجرا می‌شد. یعنی ایجاد محیط عملیاتی و فیزیکی برای دولت‌ها، بدون ملاحظات اجتماعی که تا به امروز در زمینه حراست از حیات وحش و گونه‌های جانوری وجود دارد (Rafati Mehrabadi, 2021). تمرکزگرایی و دولت‌محوری، سیاستگذاری مبتنی بر دستورات و قوانین از بالا، بی‌توجهی به نقش و مشارکت مردم و نبود نهادهای غیرمردمی مستقل که توسط قانون حمایت شوند، از نقاط ضعف موجود در زمینه حفاظت از حیات وحش است. پس از انقلاب اسلامی نیز بحث حراست از حیات وحش در قالب حفاظت از محیط زیست و پیوند آن با رشد و توسعه اقتصادی مطرح شده است. به موجب اصل پنجاه قانون اساسی: در جمهوری اسلامی ایران، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌گردد. از این‌رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط‌زیست یا تخریب غیرقابل جبران ملازمه پیدا کند، ممنوع است». در این قانون، حفاظت از محیط زیست برای توسعه اقتصادی و جلوگیری از تخریب محیط زیست مدنظر بوده که همین نگرش وارد حوزه جرایم و مقررات تخصصی‌تری نیز شده است.

۳. تعامل مطلوب دولت و جامعه مدنی در حراست از حیات وحش

حراست از حیات وحش در ایران از دیرباز با دو مشکل عمده روبرو بوده است؛ یکی مربوط به دولت و دیگری مربوط به مردم و جامعه مدنی. یعنی حتی در سال‌های دهه ۳۰، بودجه و ساختار تشکیلاتی و نبود مشارکت مردمی به عنوان موانعی در این زمینه عمل می‌کرد (Rafati Mehrabadi, 2021). به علاوه اینکه دولت پس از انقلاب اسلامی هرچند قوانین دیگری برای حراست از حیات وحش به طور خاص و محیط زیست به طور عام وضع نمود، اما مشارکت اجتماعی و نقش جامعه مدنی در آن محسوس و عملیاتی نشده است. تنها در اصل ۵۰ قانون اساسی، جلوگیری از تخریب محیط‌زیست و کمک به توسعه اقتصادی در آن لحاظ شده است. در این صورت بررسی الگوی مطلوب تعامل جامعه مدنی و دولت برای حراست از حیات وحش نیازمند بررسی بیشتر است که در مباحث پیش‌رو بدان پرداخته می‌شود.

۳-۱. مشارکت نهادهای مردمی در تدوین جرایم زیست محیطی

قوانین تخصصی مرتبط با حراست از حیات وحش در قالب برنامه قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳ و اصلاحیه ۱۳۷۱ و در ماده ۶ آن مورد توجه قرار گرفته است. در این ماده تأکید شده که علاوه بر وظایفی که در قانون صید و شکار برای سازمان شکاربانی و نظارت بر صید مقرر شده بود، وظایف و اختیارات گسترده‌تری در نظر گرفته شود (Khazai, 2023). وظایفی که در این ماده مطرح شده، ناظر بر فعالیت‌های نهادهای مدنی نیز می‌باشد. از جمله: انجام تحقیقات و بررسی‌های علمی، پیشنهاد ضوابط به منظور مراقبت و جلوگیری از آلودگی آب، هوا، خاک، پخش فضولات زباله‌ای و مواد زائد کارخانه‌ها، توجه به سازمان‌های مردم نهاد، جلوگیری از شکار غیرمجاز می‌باشد (Pourasghar, 2007). هرچند همین ماده با بیان شکار غیرمجاز، مسیری را هموار می‌کند تا افراد در سایه موارد مطرح شده بتوانند بر فرایند تدوین قوانین، نظارت بر آنان و گزارش‌دهی به مراجع انتظامی و قضایی اقدام نمایند. از این منظر، نهادهای غیردولتی نقش مهمی در پیگیری حقوق حیوانات ایفا می‌کنند (Shahbazi, 2011) اما مزیتی که ماده مذکور در پی دارد، توجه به نقش نهادهای مردمی، مسئولیت‌پذیری و مشارکت آنان در رسیدگی به حفاظت از محیط زیست و حیات وحش است که بخشی از زندگی بشر در نظر گرفته شده است. در این صورت مردم و نهادهای مدنی از این حق برخوردار هستند که در تدوین، اصلاح و بازنگری قوانین در ارتباط با حیات وحش، مداخله نموده و دیدگاه‌های خود را مطرح نمایند.

مشارکت مردم در امور باعث مسئولیت‌پذیری آنان در قبال حیات وحش و محیط زیست می‌شود. این موضوع به شکل قابل توجهی در آموزه‌های دینی نیز دیده می‌شود. چنان‌چه در روایات اسلامی، زمین منبع خیر و برکت و همچون مادری مهربان دانسته شده که نگهداری آن بر همگان لازم است. رسول خدا می‌فرماید: «از زمین محافظت نمائید، چرا که زمین اصل و منشا شماس است» (Majlesi et al., 2024). همچنین هرگونه تخریب و هدر دادن منابع و آلوده ساختن محیط سخت نکوهش شده است. از بهترین طرح‌های زیست محیطی اسلام، ایجاد رابطه مسئولانه میان انسان و عوامل طبیعی است. برخی از روایات، تمام افراد جامعه را در برابر طبیعت و حیوانات مسئول دانسته، چنانکه امیرمؤمنان (علیه السلام) می‌فرماید: «اتَّقُوا اللَّهَ فِي عِبَادِهِ وَ بِلَادِهِ فَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّى عَنِ الْبِقَاعِ وَ الْبَهَائِمِ، أَطِيعُوا اللَّهَ وَ لَا تَعْصُوهُ». «از خدا بترسید درباره بندگان او و سرزمین‌هایش؛ زیرا شما حتی نسبت به قطعه‌های زمین‌ها و چارپایان نیز باید پاسخگو باشید. از خدا اطاعت کنید و نافرمانی او نکنید» (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۷). بدین سان، حفظ سلامت محیط زیست و منابع طبیعی، مسئولیت همگانی شمرده می‌شود. از آنجا که شریعت به طور عام و دین اسلام به طور خاص ضمن جهت‌گیری به سمت مطلوب‌ها، واقعیات را نیز در نظر دارد و با توجه به این که همیشه افرادی برخلاف جهت فطرت اولیه خود حرکت می‌کنند، مجازات‌ها و پاداش‌هایی به منظور ضمانت اجرایی قوانین در نظر گرفته شده است. عمل نمودن به مسئولیت همگانی نیازمند مشارکت و مسئولیت‌پذیری مردم چه به صورت نهادی و چه به صورت فردی در قبال محیط زیست و تعامل سازنده و نیکو با سایر موجودات در طبیعت است.

حراست از حیات وحش تنها مربوط به صید و شکار نیست، بلکه تعامل آن با قوانین محیط زیستی در زمینه جلوگیری از آلوده کردن محیط جنگل‌ها، دریاها و خشکی‌ها اهمیت دارد. زیرا نادیده گرفتن موارد یاد شده به معنای نقض حقوق حیوانات و فرستادن آنان به کام مرگ و انقراض است. در این زمینه تعامل دولت و جامعه مدنی می‌تواند منجر به وضع جرایم زیست محیطی با استفاده از نظریات کارشناسی می‌شود که به صورت میدانی دارای تجربه مؤثری بوده و می‌توانند حقوق حیوانات را به شکل بهتری حمایت نمایند. در این فرایند حتی محاکمه مسئولین نابودی حیوانات و تجاوز به حقوق متنوع آنان می‌تواند منجر به جبران خسارت وارده به حیوانات شود (موثقی، ۱۴۰۰: ۳۲۰). این

رویه که در عرصه قضایی و تصویب قوانین نمود پیدا می‌کند، به معنای مشارکت مردم از جمله نخبگان و کارشناسان در زمینه تدوین قوانین، سختگیری برای شکار حیوانات و بالا بردن هزینه‌های ارتکاب چنین جرایمی است.

رسیدگی به «پروانه‌های ویژه» برای شکار در مناطق قرق شده می‌تواند مطالبه نهادهای مدنی و مردمی باشد. در این رویکرد تعاملی، بررسی ماده ۶ آیین نامه اصلاحی قانون اصلاح و شکار مصوب ۱۳۴۶ که در سال ۱۳۹۸ اصلاح و بازنگری شد، باید مورد توجه قرار گیرد. در ماده ۶ آمده است: «پروانه‌های ویژه برای شکار و صید در مناطق حفاظت شده، پناهگاههای حیات وحش، قرق‌های اختصاصی و همچنین شکار و صید جانوران حمایت شده و حفاظت شده صادر می‌گردد». به نظر می‌رسد اعطای چین پروانه‌هایی زمینه‌ساز قانونی شدن شکار حیوانات و حیات وحش شده و حتی در صورت فراگیر شدن و محاسبه کسب مجوز و پروانه اختصاصی در مقایسه با جرایم شکار حیوانات، تمایل برای استفاده از این مجوزها باعث منقرض شدن نسل حیوانات وحشی می‌شود. بر این مسئله باید تجارت ناشی از شکار دارای مجوز را با هزینه‌های ارتکاب به جرم یاد شده نیز افزود که در این صورت، سودجویان را به سمت شکارهای قانونی و دارای مجوز سوق می‌دهد. همچنان که شکار غیرقانونی پرندگان یکی از شایع‌ترین موارد جرایم زیست محیطی در ایران است (Mirmohammadi Tabrizi et al., 2018). بنابراین فعالیت جامعه مدنی هم در زمینه مقابله با شکار غیرقانونی و هم لغو مجوزهایی است که برای افراد در زمینه شکار حیوانات لحاظ شده است.

۳-۲. آموزش، آگاهی و اطلاع‌رسانی در حوزه عمومی

حفاظت از محیط زیست، مراقبت از حیوانات و منع تخریب و آسیب زدن به طبیعت و جانداران از آموزه‌های دینی است که در فرهنگ اصیل ایرانی نیز ریشه دارد. اما گسترش فرهنگ حراست از حیوانات و حیات وحش نیازمند آگاهی عمومی است. اگر نقش گروههای اجتماعی و فرهنگی در مناطق مختلف کشور برای آگاهی از وضعیت حیات وحش، جدی گرفته شود، گروههای یاد شده اصلی‌ترین پیشروان برای دستیابی به تغییرات گسترده در رفتارهای محیط زیستی هستند (Babcock, 2009). حساس کردن جامعه، ایجاد یک شبکه ارتباطی میان دولت و بخش‌های جامعه مدنی نقش مهم در حراست از گونه‌های جانوری و حیات وحش دارد. ضمن اینکه ابتکارات گروههای یاد شده در مناطق بومی و محلی جهت حراست از حیات وحش به دلیل تعاملی که با محیط اطراف دارند، مؤثرتر از قوانین دستوری است که در عرصه واقعی، عملی نمی‌شود. برای محقق شدن این هدف نیازمند آن است که آگاهی محیط زیستی افراد ارتقا یابد، جلب مشارکت‌های مردمی و سرمایه اجتماعی در این زمینه جدی گرفته شود و از ظرفیت‌های مردم محلی برای بهبود امور و حراست از حیات وحش و محیط زیست استفاده شود (Vadaon, 2013). بر مبنای اصل ۲۶ قانون اساسی، ایجاد نهادهای مردم‌نهاد، تقویت نهادهای بومی، فرهنگی و محلی برای حراست از حیات وحش و نمادسازی از حیوانات برای شناسایی مناطق جهت تطبیق با پیشینه‌های تاریخی آنان می‌تواند راهگشا باشد. همین موضوع در قانون اصلاحی مصوب ۱۳۹۸ نیز در نظر گرفته شده و بر نقش مشارکت مردمی به عنوان عاملی برای جلوگیری از تخریب محیط زیست و حیات وحش توجه نشان داده شد.

از این جهت ظرفیت‌سازی برای نقش‌آفرینی جامعه مدنی جهت آموزش، آگاهی و اطلاع‌رسانی به آحاد مردم، بخش مهمی از فرایندهای اثرگذار برای حراست از حیات وحش است. زیرا تنها قوانین و جرایم نمی‌توانند شهروندان را وادار به احترام از محیط‌زیست نمایند، بلکه احترام گذاشتن از طریق آموزش نیز مهم و حیاتی است (Uzun, 2012). در ایران، رسانه تخصصی برای نمایش دادن گونه‌های حیات وحش، نهاد تخصصی برای مراقبت از گونه‌های در خطر انقراض و تکثیر برخی از گونه‌ها دیده نمی‌شود و غالباً دیده شده است که با تلف شدن گونه‌ای از پلنگ یا یوز ایرانی، نهاد خاصی مسئولیت آن را تقبل نمی‌کند. از این جهت داشتن رسانه تخصصی، ایجاد شرایطی برای نظارت

جامعه مدنی و نهادهای مردم نهاد برای پاسخگو کردن نهادهای متولی بسیار مهم و حیاتی است. علاوه بر رسانه تخصصی، ابزارهای جامعه مدنی در این زمینه بسیار متعدد و متنوع هستند و طیفی از مکان‌های آموزشی نظیر مدارس، دانشگاه، متون درسی، مراکز علمی و دانشگاه و رسانه‌های عمومی را دربر می‌گیرد (Sarkisa et al., 2009). بر این موارد باید شبکه‌های اجتماعی که از دستاوردهای گسترش اینترنت در جهان و کشور است، بهره برد. نقش این شبکه‌ها هم در آموزش و اطلاع‌رسانی و تشویق حامیان حیات وحش در نقاط مختلف ایران و هم در راستای شناسایی سریع موارد حیوان‌آزاری قابل توجه است. ضمن اینکه آگاهی و اطلاع‌رسانی در زمینه نحوه حراست و مراقبت از حیواناتی که در حیات‌های وحش هستند، بسیار مهم است. نظارت دقیق بر این حیات‌های وحش و تعامل مردم و گزارش نقض حقوق حیوانات در این مراکز، عامل مهمی در جلوگیری از حیوان‌آزی و از بین بردن گونه‌های جانوری در ایران دارد (Masjed Sarai & Jabbari, 2016). حتی در مواردی انتقال غیرمنطقی حیوانات از نقاط مختلف جهان و کشور به حیات‌های وحش باعث ضعیف شدن و در نهایت مرگ آنان منجر شده که نیازمند رسیدگی قضایی و مشارکت مسئولان مردم در انتقال گزارش چنین مواردی است.

۳-۳. تعامل سازنده در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی

نهادهای مدنی به دلیل گسترش اینترنت و شبکه‌های اجتماعی اشکال جدیدی پیدا کرده است. به طوری که قدرت بسیج شبکه‌های اجتماعی و گرد آوردن افراد حول یک موضوع و گفتمان‌سازی، آنان را در بستر جامعه مدنی قرار می‌دهد (خانیک و خجیری، ۱۳۹۷: ۷۸). استفاده از سرعت و اطلاع‌رسانی آنلاین برای حراست از حیات وحش امری است که در قانون اساسی بر آن تأکید شده است. این رویه توسط اصل ۲۴ نیز حمایت می‌شود، زیرا در این اصل مطرح شده که «نشریات و مطبوعات آزادند، مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد». بر مبنای همین اصل، اطلاع‌رسانی در حوزه حراست از حیات وحش نه تنها ضدیتی با مبانی اسلام ندارد، بلکه در راستای «حقوق عمومی» و نیازهای نسل‌های آینده است که آن هم در اصل ۵۰ قانون اساسی به عنوان نیاز نسل‌های آینده و جلوگیری از محیط زیست مورد تأکید قرار گرفته است.

بر مبنای اصول یاد شده در قانون اساسی، برای حراست از حیات وحش، استفاده از ظرفیت رسانه‌های نوین برای رفع مشکلات موجود و همچنین ایجاد مشارکت گسترده آحاد مردم، بسترسازی مردمی امری لازم و ضروری است. به این دلیل که برای جلب حمایت عمومی و ایجاد تغییر نگرش در الگوهای رفتاری برای توسعه پایدار نیازمند آموزش و فرهنگ سازی است. رویکردی که اگر به خوبی مورد استفاده قرار گیرد، به تحقق فرایندهای مردمسالار و جامعه صلح آمیز منجر می‌شود (Sagaris, 2018). این رویه صلح‌آمیز اگر از سوی مردم انعکاس داده شود، مهربانی و برخورد مسالمت‌آمیز با طبیعت و حیوانات را به یک گفتمان عمومی در سطح رسانه‌ها تبدیل می‌شود که برای تغییر نگرش نسلی نسبت به حیات وحش مؤثر است. بنابراین همسو با اصل ۵۰ قانون اساسی باید گفت، حراست از محیط زیست، نه تنها در برنامه‌ها و مصوبات، بلکه در عرصه رسانه و گفتمان‌سازی نیز باید دنبال شود و به یک مطالبه و گفتمان عمومی تبدیل گردد.

اما استفاده از ظرفیت رسانه و شبکه‌های اجتماعی نیازمند رصد و پالایش همین فضا در زمینه مقابله با سودجویی آنلاین و خارج از نظارت فیزیکی دولت است. به این دلیل که کسب‌وکارهای اینترنتی، خرید و فروش حیوانات در بازارهای آنلاین که مقرراتی بر آنان حاکم نیست، نیازمند شفاف‌سازی هستند. با توجه به اینکه نظارت بر بازار آنلاین دارای پیچیدگی‌های خاصی بوده و بدون همکاری عمومی امکانپذیر نمی‌باشد (Khazai, 2023). از این منظر جامعه مدنی در بستر فضای مجازی نیز می‌تواند فعالیت مؤثری برای حراست از حیات وحش داشته باشد و با معرفی و شناسایی سایت‌ها و پلتفرم‌های غیرمجاز براساس قوانین کشور، باعث حراست از حیات وحش شود. همچنان که

یکی از راهبردهای مؤثر در زمینه حراست از حیات وحش، تشکیل سازمان محلی و کمک به بومیان برای داشتن یک تشکل محلی برای حفاظت از محیط زیست است (Shateri et al., 2021). تشکل بومی می‌تواند با تجربه زیسته خود به کنشگران حیات وحش کمک نماید تا راهکارهای حفاظت از حیوانات را به شکل عملی یاد گرفته و از تکرار راهکارهای نیازموده پرهیز نمایند. بدیهی است تعامل دولت و جامعه مدنی مستلزم قوانین جامعی از سوی دولت و حمایت از کسانی است که در این فضا برای شناسایی و رصد آزار دهندگان حیوانات وحشی یا سودجویی از آنان فعالیت دارند.

۳-۴. دولت به مثابه رابط جامعه مدنی و همکاری‌های بین‌المللی

نگرانی از نابودی گونه‌های حیوانی و جانوری یک نگرانی جهانی است که حتی ممکن است تا ۵۰ سال آینده بسیاری از گونه‌های جانوری منقرض شوند (Leuenberger, D, Z. Wakin, 2007: 23). همچنان که مشکلات این حوزه نیز بین‌المللی بوده و نیازمند یک همکاری بین‌المللی است. بنابراین در کنار سازوکارهای داخلی از جمله بهبود و تغییر قوانین و یا فعال کردن رسانه‌ها، همکاری بین‌المللی برای مقابله با نابودی حیات وحش یا حتی استفاده از ظرفیت‌های بین‌المللی در این زمینه بسیار مؤثر است. استدلالی که در راستای همکاری بین‌المللی برای حراست از حیات وحش مدنظر است، اینکه مشکلات زیست محیطی برخلاف سایر مسائل، ممکن است به دلیل عوامل خارجی نیز پدید آیند. به طور مثال مهاجرت پرندگان از کشوری به کشور دیگر، بیماری‌های دامی و ویروس می‌تواند منشأ خارجی داشته باشد. از این رو نهادهای مدنی هم برای یافتن علل و هم جبران خسارت در موارد عمدی نیازمند همکاری با نهادها و کنوانسیون‌های بین‌المللی در زمینه حراست از حیات وحش هستند. به این دلیل که تعداد بی شماری نهادها، کنوانسیون‌ها و موافقتنامه بین‌المللی در زمینه حمایت از حقوق حیوانات پدید آمده است (Movasaghi, 2021). این امر مستلزم وجود قوانین است که دولت می‌بایست برای نهادهای مدنی در داخل کشور ایجاد نماید و زمینه‌ساز پیوند، تعامل و همکاری نهادهای داخلی با نهادهای بین‌المللی شود. در اینجا نقش دستگاه قضایی در راستای حمایت از نهادهای مدنی فعال در حوزه محیط زیست و حقوق حیوانات اهمیت خاصی دارد.

ضمن اینکه در اسناد بین‌المللی نظیر کنوانسیون دانمارک، سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی حق طرح دعوا بر مبنای مدارک و مستندات در زمینه تخریب محیط زیست را دارند. به این دلیل که حق برخورداری از محیط زیست سالم برای همه افراد شناخته شده است (Pourhashami et al., 2015). بنابراین ظرفیت همکاری بین‌المللی برای جامعه مدنی حتی می‌تواند به پاسخگو کردن مقامات و مسئولان زیست محیطی نیز منجر شود. گستره جامعه مدنی در سطح جهانی ظرفیت قابل توجهی است که باید بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد و عضویت در کنوانسیون‌های بین‌المللی، میزبانی از همایش‌های بین‌المللی، انتقال تجربیات داخلی و متعاقب آن کسب تجربیات از سایر کشورها، دریافت بودجه و اعتبار برای حراست از حیات وحش، از جمله مواردی است که در صورت تعامل جامعه مدنی با همکاری‌های بین‌المللی قابل دستیابی است. در این زمینه نقش تسهیل‌گرایانه دولت و حمایت از تعامل نهادها و شخصیت‌های خارجی برای سفر به ایران و یا ارسال نمایندگان به خارج از کشور، عامل مهمی برای حراست از حیات وحش و جلوگیری از انقراض گونه‌های حیوانی، پرندگان و... دارد.

نتیجه‌گیری

جامعه مدنی و دولت دو عنصر تأثیرگذار بر محیط زیست بشر، حیات وحش و تعامل آنان با یکدیگر است. بدین معنا که وضع قوانین و مقررات، نحوه اجرایی آن، سازوکارهای قضایی و کیفری برای رسیدگی به جرایم زیست محیطی از جمله عواملی هستند که بر نحوه مدیریت حیات وحش اثرگذار می‌باشند. بحث حمایت از محیط زیست هم در اسناد داخلی و در چارچوب اصل ۵۰ قانون اساسی مدنظر قرار گرفته

است و در اسناد بین‌المللی نیز کنوانسیون‌ها و معاهدات بی شماری نیز وضع شده که یا به صورت مستقیم به بحث حیات وحش پرداخته یا در قالب اسناد زیست محیطی، زندگی مطلوب برای حیوانات را نیز مدنظر قرار داده‌اند. با این حال برای پدید آمدن اسناد جهانی، جامعه مدنی نقش پررنگی داشته است؛ به طوری که کشورها و مناطق مختلف در تدوین قوانین، اعمال فشار بر دولت‌های ناقض حق بر محیط زیست سالم و تلاش برای تدوین قوانین مؤثر برای جلوگیری از آلودگی هوا، حمایت از حیوانات در خطر انقراض و آلودگی دریا، نقش جامعه مدنی محسوس بوده است. با توجه به اینکه نقش دولت در وضع قوانین و اجرایی کردن آن در زمینه حراست از حیات وحش انکارناپذیر است، لزوم نظارت بر مقررات موجود و اصلاح آنان امری ضروری است. اینجاست که نقش نهادهای مردمی و غیردولتی برای نظارت بر قوانین یاد شده و بهبود شرایط موجود نمود پیدا می‌کند. در طی سده اخیر، قوانین و مقررات در ایران اغلب دستوری و آمرانه بوده و از نقش جامعه مدنی هدفمند و مؤثر غفلت شده بود. هرچند با پیروزی انقلاب اسلامی، نقش نهادهای مردمی و مشارکت آنان در امور محیط زیست در سایه اصلاح قانون شکار ایران، اندکی ارتقا یافت، اما در عمل، سازوکاری برای حراست از حیات وحش با نقش‌آفرینی جامعه مدنی ایجاد نشده است. در هر صورت بررسی حاضر نشان داده است که در چارچوب قانون اساسی و برخی قوانین تخصصی دیگر، جامعه مدنی در حوزه‌های مختلف از جمله همکاری برای تدوین قوانین قضایی و کیفری برای رفع امتیازات ویژه، ایجاد آموزش، آگاهی و اطلاع‌رسانی عمومی برای مشارکت دادن آحاد جامعه در زمینه حراست از حیات وحش و گفتمان‌سازی برای نسل‌های آینده از جمله کارکردهای جامعه مدنی می‌باشند. استفاده از رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی برای نظارت بر حیوان آزاری، شکار غیرقانونی و نظارت بر اجرای قوانین و حتی پاسخگو کردن مسئولان و مقامات از جمله ابزارهای تحقق بخشیدن به این تعامل است. علاوه بر این، با توجه به جهانی بودن بحث محیط زیست و حیات وحش و خطرات مرتبط با این حوزه و همچنین نیازمند بودن راهکارهای جهانی در بسیاری از موارد، همکاری بین‌المللی برای حراست از حیات وحش نیز امری ضروری است. در این باره نیز دولت می‌بایست در نقش تسهیل‌گر، حامی جامعه مدنی ایران برای مشارکت در کنوانسیون‌های بین‌المللی، استفاده از ظرفیت و تجربه سایر کشورها و انتقال تجارب عمل نماید. در صورتی که توان دولت و جامعه مدنی در داخل و خارج هم افزایی شود، حراست از حیات وحش به‌طور خاص و محیط زیست به طور عام، نقش قابل توجهی در رسیدگی به امور مرتبط با حیات وحش و اصلاح قوانین خواهد داشت.

با در نظر داشتن موارد یاد شده پیشنهادات زیر قابل ارائه است:

- اصلاح اصل ۶ قانون شکار و لغو مجوزهای ویژه برای جلوگیری از سوءاستفاده سودجویان در حیات وحش؛
- بالا بردن هزینه‌های ارتکاب به جرم مرتبط با حیات وحش برای مبارزه با سودجویی و تجارت حیوانات؛
- استفاده از ظرفیت شبکه‌های اجتماعی و تشکیل کارگروه‌های تخصصی در مناطق و محلاتی که دارای گونه‌های قابل توجهی از حیوانات و پرندگان است؛

-حمایت از نقش مؤثر سلبریتی‌ها برای ایجاد گفتمانی اثرگذار جهت حمایت از حیات وحش؛

-نظارت ویژه بر فعالیت‌های تجاری و کارخانه‌ها در مناطقی که تأسیس آنان منجر به از بین رفتن گونه‌های جانوری می‌شود؛

-تسهیل تبادل اطلاعات میان جامعه مدنی داخلی و جامعه مدنی بین‌المللی و عضویت در کنوانسیون و معاهدات برای استفاده از ظرفیت و تجارب بین‌المللی؛

-بهره‌گیری از ظرفیت فقه و تشریح احترام آموزه‌های دینی به محیط زیست و حقوق حیوانات.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

EXTENDED SUMMARY

The protection of wildlife has emerged as a major global concern, given the increasing pace of environmental degradation and species extinction caused by direct and indirect human interventions. These include overexploitation through hunting and commercial trade, as well as pollution and habitat destruction, all of which have intensified ecological crises. At the international level, diverse institutional mechanisms and legal frameworks have evolved to mitigate these threats and preserve biodiversity. Prominent organizations such as the United Nations Environment Programme (UNEP), the World Bank's Global Environment Facility, the World Wildlife Fund (WWF), the Commission on Sustainable Development, and the International Union for Conservation of Nature (IUCN) have been instrumental in this regard (Ziaei Bigdeli, 2021). Their activities are reinforced by international conventions such as the Convention on International Trade in Endangered Species of Wild Fauna and Flora (CITES), the Convention on the Conservation of Migratory Species of Wild Animals (1979), and the Ramsar Convention on Wetlands (1971) (Arya Parsa, 2014). In addition, the emergence of third-generation human rights, emphasizing the right to a healthy environment, underscores the inseparable link between ecological sustainability and human welfare. These frameworks provide a legal foundation for states and civil societies to collaborate in protecting wildlife through conservation programs, enforcement mechanisms, and environmental awareness campaigns. However, the effectiveness of these mechanisms depends largely on the active engagement of national governments and civil society organizations that can translate international obligations into local action.

Within Iran, wildlife conservation has historically suffered from inadequate institutional frameworks and fragmented legal structures. Prior to the Islamic Revolution, environmental management was primarily state-centric, embodied in top-down legislative measures such as the Hunting Law, which lacked community participation and neglected socio-cultural contexts (Rafati Mehrabadi, 2021). These command-and-control policies led to weak enforcement, minimal transparency, and limited accountability. Even after the Revolution, while Article 50 of the Constitution recognized environmental protection as a public duty, its practical implementation remained constrained by bureaucratic rigidity and the absence of effective grassroots engagement. The persistence of centralized policymaking and insufficient recognition of non-governmental organizations (NGOs) has impeded meaningful community involvement in wildlife management. Consequently, despite the formal acknowledgment of environmental rights, enforcement mechanisms have been inconsistent and largely ineffective in deterring poaching, illegal trade, and habitat destruction. The dominance of state agencies, combined with the lack of coordination among local and national actors, has hindered the formation of a collaborative model that integrates governmental authority with civil initiatives in wildlife protection.

A significant component of such integration lies in recognizing the participatory role of civil society in shaping environmental and criminal legislation. The Environmental Protection and Enhancement

Law of 1974, along with its 1992 amendment, particularly Article 6, expanded the responsibilities of environmental institutions to include research, pollution prevention, and cooperation with NGOs (Khazai, 2023; Pourasghar, 2007). This legislative framework implicitly endorses the involvement of civil organizations in monitoring violations, reporting offenses, and proposing reforms. Through active participation in lawmaking, civil society enhances accountability and transparency in environmental governance (Shahbazi, 2011). Islamic jurisprudence also reinforces this participatory ethos. Numerous hadiths emphasize humanity's collective responsibility toward nature and animals, portraying the earth as a sacred trust that must not be corrupted or wasted (Majlesi et al., 2024). The teachings of the Prophet and Imam Ali (peace be upon them) explicitly highlight moral and legal accountability for environmental degradation. In this context, state institutions and religious authorities can jointly promote an ethic of stewardship that links moral duty with legal responsibility. Moreover, civic engagement in revising Article 6 of the Hunting Law and scrutinizing the issuance of "special hunting licenses" can deter legal loopholes that enable the commercial exploitation of endangered species (Mirmohammadi Tabrizi et al., 2018). By strengthening participatory policymaking and enforcing community oversight, the state can transform citizens from passive observers into active stakeholders in wildlife protection.

Public education and information dissemination form another pillar of sustainable wildlife protection. Cultural traditions in Iran contain deep ecological ethics, but modernization and urbanization have diluted these values. Raising environmental awareness through schools, universities, and local institutions is essential for rebuilding collective responsibility. NGOs and local associations can act as intermediaries between government agencies and communities, fostering a culture of accountability and empathy toward wildlife (Babcock, 2009). Environmental education empowers citizens to identify threats, report abuses, and advocate for stronger legal reforms (Vadaon, 2013). In accordance with Article 26 of the Constitution, which guarantees the freedom of association, civil organizations can establish local conservation networks that reflect indigenous ecological knowledge and historical identity. Media also play a transformative role: the absence of specialized wildlife broadcasting and research platforms in Iran hampers public engagement. Establishing dedicated media outlets and integrating wildlife studies into educational curricula can institutionalize awareness. In the digital era, social media platforms amplify civil mobilization, facilitate environmental campaigns, and enable rapid identification of animal cruelty cases (Sarkisa et al., 2009; Uzun, 2012). Furthermore, monitoring the management of zoological parks and wildlife sanctuaries through citizen journalism ensures accountability and transparency (Masjed Sarai & Jabbari, 2016). Thus, environmental literacy, reinforced by participatory communication networks, is critical to reshaping social norms and preventing ecological exploitation.

In parallel, constructive engagement through digital media and online platforms enhances the reach of civil society in promoting wildlife conservation. The expansion of social media has transformed the traditional boundaries of civic participation, enabling grassroots environmentalism to evolve into a networked global movement. Within the Iranian legal framework, Article 24 of the Constitution safeguards press freedom, provided it does not contravene public rights or Islamic principles, while Article 50 mandates intergenerational environmental protection. Together, these principles legitimize online activism aimed at safeguarding public environmental rights (Sagaris, 2018). Digital platforms not only disseminate information but also create spaces for public deliberation and mobilization around wildlife issues. Nevertheless, these networks also facilitate unregulated markets for illegal animal trade, requiring effective monitoring and collaboration between government agencies and civic groups (Khazai, 2023). Establishing transparent legal standards for online

commerce, as well as local community organizations to oversee regional biodiversity, is vital for curbing illicit activities (Shateri et al., 2021). Collaborative models that combine civic vigilance, public education, and legal enforcement are essential for balancing freedom of expression with environmental protection. In this respect, media-based advocacy and online civil participation are indispensable mechanisms for institutionalizing sustainable environmental governance.

Finally, the global nature of ecological challenges necessitates an integrated international dimension to Iran's wildlife protection strategy. Species migration, climate change, and cross-border trafficking demand multilateral cooperation and alignment with international environmental law. Civil society organizations can serve as conduits linking domestic advocacy to global environmental governance frameworks. Their participation in international conventions and networks not only enhances their legitimacy but also facilitates access to financial, technical, and institutional resources (Movasaghi, 2021). Under international law, as reflected in the Danish Convention and related treaties, NGOs possess the right to initiate legal actions based on documented evidence of environmental harm, reinforcing the universal right to a healthy environment (Pourhashami et al., 2015). Accordingly, the Iranian government must act as a facilitator, ensuring that domestic NGOs are legally empowered to collaborate with international counterparts, share data, and participate in transnational conservation initiatives. By integrating domestic legislation with international obligations, Iran can modernize its legal framework, expand its environmental diplomacy, and strengthen public trust in state institutions. This dual-track approach, combining national reform with global engagement, ensures that wildlife conservation transcends local boundaries and becomes a shared responsibility rooted in moral, legal, and ecological principles.

In conclusion, the ideal model of government–civil society interaction in wildlife protection depends on mutual trust, shared responsibility, and institutional coherence. Governments must transition from a command-and-control orientation to a facilitative and participatory framework that empowers NGOs, local communities, and individual citizens to take active roles in conservation. Civil society, for its part, must cultivate expertise, transparency, and accountability to complement governmental efforts rather than oppose them. When domestic reforms are synchronized with international collaborations, and when public awareness aligns with legal enforcement, the protection of wildlife evolves from a fragmented policy objective into a holistic social commitment. Ultimately, the harmony between governmental authority and civic participation forms the cornerstone of sustainable environmental stewardship and intergenerational justice.

References

- Arya Parsa, A. (2014). *Environmental Law and Sustainable Development*. Khorsandi Publications.
- Babcock, H. M. (2009). Responsible Environmental Behavior, Energy Conservation and Compact Fluorescent Bulbs: You Can Lead a Horse to Water, but Can You Make It Drink? *Georgetown University Law Center*, 37(4), 943-974.
- Khazai, H. (2023). Analyzing Article 6 of the Environmental Protection and Improvement Act: Challenges and Solutions. *Quarterly Journal of Legal Civilization*, 6(16), 478-453. <https://ensani.ir/fa/article/549381/>
- Majlesi, M. B., Mahmoudi, M. B., & Alavi, A. Z. (2024). *Bihar al-Anwar*. Dar Ahya al-Turath al-Arabi.
- Masjed Sarai, H., & Jabbari, M. (2016). The Violation of Wildlife Rights in Zoos. *Quarterly Journal of Islamic Jurisprudence and Law Studies*, 8(15), 318-301. https://feqh.semnan.ac.ir/article_1968.html
- Mirmohammadi Tabrizi, S. A., Mazloom Khorasani, M., Noqani, M., & Silanian Tusi, A. (2018). Market and Environmental Crimes: Explaining Illegal Bird Hunting in Fereydunkenar. *Quarterly Journal of Sociology of Social Institutions*, 5(12), 71-39. https://ssi.journals.umz.ac.ir/article_2132.html?lang=en
- Movasaghi, H. (2021). *Prospects of International Environmental Law in Wildlife Conservation*. Ayin Dadresi Publications.
- Pourasghar, F. (2007). The Trend of the Environmental Protection Budget During Development Programs. *Weekly Program*(254). <https://civilica.com/doc/78665/>

- Pourhashami, S. A., Tayebi, S., & Naderi, S. (2015). *Litigation and International Responsibility: Tools for Addressing Non-Compliance with Climate Change Commitments*. Khorsandi Publications.
- Rafati Mehrabadi, M. (2021). Environmental Policies and Social Conflict in Iran: Case Studies of Wildlife and Animal Species. *Cultural History Studies*, 12(47), 63-39. <https://ensani.ir/fa/article/479680/>
- Sagaris, L. (2018). Citizen Participation for Sustainable Transport: Lessons for Change from Santiago and Temuco, Chile. *Research in Transportation Economics*, 69(3), 402-410. <https://doi.org/10.1016/j.retrec.2018.05.001>
- Sarkisa, J., Gonzalez, P., & Adenso, B. (2009). Stakeholder Pressure and the Adoption of Environmental Practices: The Mediating Effect of Training. <https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S0272696309000709>
- Shahbazi, A. (2011). Animal Rights: Reflections on Theory and Practice. *Quarterly Journal of Legal Research*, 14(36), 56-27. https://qjpl.atu.ac.ir/article_2409.html
- Shateri, P., Salehi, S., Mohseni, R. A., & Sharifi, M. (2021). Environmental NGOs and Methods for Engaging Members. *Journal of Applied Sociology*, 32(82), 128-191. https://jas.ui.ac.ir/article_25116.html
- Uzun, F. V. (2012). The Effects of Nature Education Project on the Environmental Awareness and Behavior. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 46, 2912-2916. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2012.05.588>
- Vadaon, S. (2013). *Role of NGOs in Environmental Conservation and Development*. Mother Earth Consultancy Services. <https://link.springer.com/article/10.1007/s11229-009-9565-1>
- Ziaei Bigdeli, M. R. (2021). *Public International Law*. Ganj Danesh Publications.